احیای اسلام در روسیه

طالب سعید بایف

ده سال است که روند تجدید حیات اسلام در روسیه جریان دارد. تعداد مساجد و روحانیون به مراتب بیشتر شده است; همه جای کشور، مدارس متوسط و عالی اسلامی فعالیت می کنند، مسلمانان به سفر حج می روند، ادبیات دینی فراوانی منتشر می شود و تماس ها با مسلمانان کشورهای دیگر برقرار و تحکیم می شوند. به عقیده هیات تحریریه «منبر اسلام »، زمان آن رسیده است که راهی که طی شده است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ما باید بفهمیم روند احیای اسلام در چه جهتی حرکت می کند؟ چه چیزی به قلوب مردم راه یافته، چه نوآوری هایی در زندگی مسلمانان رواج یافتند و مسلمانان از چه چیزی رها شدند؟ حیات دینی کنونی که از سوی مقامات رسمی محدود نمی شود، چه ویژگی هایی دارد؟ مسلمانان عادی و روحانیون و شخصیت های اجتماعی و سیاسی به تجدید حیات اسلام، چه امیدهایی می بندند؟

روحانیون اسلامی و مسلمانان عادی، شخصیت های دولتی و اجتماعی اغلب اصطلاح «تجدید حیات اسلام » را بکار می برند. می توان آن را در برنامه های کار و اسناد گوناگون جنبش ها و احزاب اجتماعی و سیاسی مسلمانان پیدا کرد. ولی منظور دقیق آنها از تجدید حیات اسلام و اهداف این حرکت معلوم نیست. همچنین مشخص نمی شود با چه روش هایی باید به این اهداف دست یافت. در نتیجه، مساله ای که برای سرنوشت اسلام و مسلمانان روسیه بسیار مهم است، بدون پشتوانه شایسته علمی و فقهی باقی ماند، جهت گیری های مشخصی ندارد. پروفسور طاهر شاید ولین، استاد تاریخ، در این مورد چنین اظهار نظر می کند:

عرب ها، اولین ملت اسلامی جهان، می گویند: "پسر بیشتر به زمان خود شباهت دارد تا به پدرش". این ضرب المثل قدیمی، سرشت انسان را که در برابر تحولات پیرامون، از خود واکنش نشان می دهد، به خوبی منعکس می کند. وقتی که ما در باره تجدید حیات اسلام در کشور خود بحث می کنیم، نباید تحولاتی را فراموش کنیم که طی دهها سال گذشته در روسیه و در شخصیت مسلمان، رخ داده است.

ولی این بحث باید با مشخص کردن مفهوم "تجدید حیات" یا "احیا" شروع شود. این مفهوم به معنای اعتلای بعد از سقوط یا ویرانی و فروپاشی و پیدایش مجدد پدیده مورد نظر است. اکنون اسلام در روسیه، در شرایطی فعالیت می کند که برداشت از نقش دین در حیات معنوی کشور که قبل از انقلاب اکتبر وجود داشت، احیا می شود. به همین دلیل، امکانات فراوانی برای احیای زندگی دینی و توسعه تاثیر اسلام بر مردم، در زمینه های گوناگون فراهم شده است. ولی اگر ما بخواهیم که این روند نتایج مثبتی بدهد، باید بدانیم که احیای موقعیت ماقبل از انقلاب سال 1917، اسلام و نقش آن در جامعه، به دلایل گوناگونی ممکن نیست. در زیر، مهمترین دلایل این امر را بر خواهم شمرد.

روسیه کنونی با روسیه قبل از انقلاب، تفاوت اصولی دارد. با وجود برخورد مثبت جامعه با دین، دین از دولت جدا شده است و مآلا، موقعیت آن نسبت به دوران قبل از انقلاب اکتبر1917، فرق زیادی دارد. برای مثال، قبل از انقلاب، عرصه آموزش و پرورش تماما در دست روحانیت اسلامی بود، ولی اکنون جوانان در مؤسسات آموزشی غیردینی تحصیل می کنند. در روسیه قبل از انقلاب، سازمان های اسلامی از دارایی قابل توجهی از جمله قطعات زمین، بناهای تجاری، کانال های آب و غیره برخوردار بودند. اکنون سازمان های اسلامی، نیروی اقتصادی ندارند. در جامعه ما، قوانین لاییک اجرا می شوند و نفوذ شریعت می تواند فقط بسیار محدود باشد. ولی اصل کار یک چیز دیگر است.

روسیه معاصر به شاخص های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی که با دور زدن قبل از انقلاب قابل مقایسه نیستند، ست یافته است. در کشورمان مناسبات اجتماعی - سیاسی که با گذشته تفاوت فراوانی دارد، حکمفرماست. کشورمان در قرن جاری، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است که نفوذ اسلام در عرصه های گوناگون را کاهش داده است. ایجاد چهره جدید مسلمانان که با گذشته تفاوت فراوانی دارد، نتیجه این تحولات بود. مسلمانان درباره نقش اسلام در زندگی خود و حیات جامعه، نظر دیگری دارند. به نوشته یک متفکر تاتار، قبل از انقلاب، یک مسلمان در همه امور زندگی خود، اعم از تعمیر سماور تا خرید اسب، با امام مشورت می کرد. اکنون عرصه نفوذ امامان خیلی تنگتر شده است. ضمن بررسی مساله احیای اسلام در روسیه، نمی توان این واقعیات را نادیده گرفت. غیر از آن، تجدید حیات اسلام باید با حال و آینده روسیه ارتباط داشته باشد. مسلمانان جدا از تحولات جاری در جامعه، زندگی نمی کنند. این در حالی است که تحولات ریشه ای کنونی، زندگی اجتماعی - اقتصادی و روحی انسان را تماما دگرگون می سازند. تجدید حیات اسلام، بر مسلمانی که باید در جامعه دموکراتیک با اقتصاد بازاری زندگی کند، چه تاثیری خواهد گذاشت؟ آیا دین برای مسلمان زنجیری خواهد شد که او را در گذشته نگه می دارد یا بالی که او را جلو می برد؟ آیا اسلام، انسان را به قرن گذشته یا به قرن آینده و هزاره جدید دعوت خواهد کرد؟

اظهارات پروفسور شاید ولین بسیار جالب است. البته، ما احساس کردیم که در نظریه وی، ویژگی های آگاهی دینی در نظر گرفته نشده اند. ولی این دانشمند در یک زمینه حق دارد: البته، بدون در نظر گرفتن ویژگی های مسلمانان واقعی، نمی توان در باره تجدید حیات اسلام صحبت کرد. در نهایت امر، به شخص مسلمان وابسته است که اندیشه ها و پیشنهادات رهبران احزاب و جنبش های اسلامی پذیرفته خواهند شد یا خیر. تجدید حیات اسلام باید هدف آتیه داری داشته باشد تا مسلمانان راحت تر بتوانند در شرایط جدیدی که حکم زمان است، زندگی کنند. ولی چطور می توان به این هدف دست یافت. آیا دینی که 14 قرن پیش به وجود آمد، توان کافی دارد که به یک مسلمان کمک کند تا جایگاه شایسته خود را در جامعه پویای معاصر پیدا کند؟

آیا مسلمانان روسیه فقط باید تابع قرآن و سنت نبوی باشند؟

در عصر حاضر، برخی از روحانیون، رهبران و نظریه پردازان احزاب و جنبش های مختلف اسلامی و اجتماعی، در برنامه های خود برای شریعت - حقوق اسلامی - جایگاه مهمی قایل اند. آنها ادعا می کنند که مسلمانان باید فقط تابع قرآن و سنت باشند. مسلمانان باید برتری احکام شرعی را بشناسند که نه تنها به امور دنیوی مسلمانان رسیدگی کرده و راهگشای همه مسائل آنها می باشد. در عین حال، دعوت به امتناع از شناسایی مشروعیت حکومت غیردینی و قوانین لاییک که گویا چالشی از سوی سلطنت کفر برای مسلمانان است، مطرح می شود; زیرا سعی می کند ایمان به شیطان را در جای ایمان به پروردگار قرار دهد.

این دیدگاهها در بعضی جاها عملی می شوند. "مناطق جداگانه اسلامی" بوجود آمدند. پوسترهای بزرگ را نصب می کنند و روی آنها با حروف بزرگ می نویسند که در این سرزمین احکام شرعی اجرا می شوند. آیا این اهداف و اعمال، با روح و نص خود شریعت مطابقت دارند؟ پروفسورلئونید سوکیاینن، کارشناس معروف شریعت، در این مورد معتقد است:

بیانیه هایی که در فوق ذکر شدند، احساسات متضادی را برانگیخته، مبنای ارزیابی های مختلف هستند. این امر تصادفی نیست; زیرا که مساله مورد نظر، چند جهت گیری دارد. یکی از جنبه های مهم آن، تعبیر قوانین دولتی به عنوان قوانین بیگانه برای مسلمانان و ناسازگار با شریعت است که این امر، موجب نافرمانی بی پرده از مقامات رسمی می شود. این موضوع بحث خاصی است. ولی من می خواهم گفت و گو در باره شریعت در روسیه معاصر را با اشاره به برخی از مبانی شریعت و راههای عملی کردن آن، شروع کنم.

دعوت ها به معرفی شریعت و گام های عملی در این جهت در برخی از مناطق کشور، کاملا قابل درک است. بی اعتمادی مسلمانان به مقامات حاکم و قابلیت دولت، به حل و فصل مسائل حاد اجتماعی، اقتصادی و ملی رشد می کند. به همین دلیل، شریعت در مقابل قوانین عرفی که از نظر مسلمانان بیانگر منافع همان قدرت بیگانه و دور از نیازهای آنان است، گذاشته می شود. به همین دلیل، رویکرد به شریعت به عنوان تنها راه حل مشکلات جاری و سنت دیرینه مردمی و مبانی دین، کاملا طبیعی است.

تمایل به زندگی مطابق با شریعت نیز شایان احترام است. ولی با توجه به اینکه این مساله با مهمترین جنبه اسلام و شیوه زندگی مسلمانان ارتباط دارد، حل و فصل آن گام های سنجیده و متفکرانه ای را ایجاب می کند که باید شایسته شان والای شریعت باشند. در همین جا سؤالات زیادی بروز می کنند. این نکته به چشم می خورد که پیروان شریعت، آن را به عنوان یک چیز تک بعدی، تغییر ناپذیر و غیروابسته به زمان، شرایط اجتماعی، ملی و فرهنگی و واقعیات محلی تلقی می کنند. آنها ادعا می کنند که مسلمانان می خواهند به گونه ای زندگی کنند که الله حکم کرده و رسول خدا (ص) به مسلمانان آموخته است.

در میان مسلمانان متدین، افراد زیادی پیدا می شوند که از کندی گسترش اسلام در زندگی روزمره مردم و کل جامعه، اظهار نارضایتی می کنند. آنها حاضرند این موازین را به زور معرفی کنند و همه ناراضیان را "مسلمان بد" شناخته یا از دین طرد کنند. با این پدیده، چطور باید برخورد کرد؟ خبرنگار "منبر اسلام" این سؤال را از کارمند مسؤول سفارت یکی از کشورهای عربی در مسکو کرد. او چند سال است که در کشورمان زندگی می کند و از نزدیک با اوضاع مذهبی روسیه آشناست. وی به بسیاری از مناطق سکونت مسلمانان روسیه رفته، با رهبران مذهبی آشناست و در بسیاری از مراسم اجتماعی شرکت کرده است. وی با استناد به موقعیت کاری خود، از ارزیابی جریانات در اسلام روسی خودداری کرده، نخواست نامش فاش شود. هیات تحریریه با رعایت این شروط تصمیم گرفته است برخی از دیدگاهها و عقاید این کارشناس عربی را به آگاهی خوانندگان خود برساند. مثال هایی که او از تاریخ اسلام آورده است، می توانند برای خوانندگان ما جالب باشند. دیدگاه دیپلمات عربی در زیر از نظرتان می گذرد:

مسلمانان روسیه طبیعتا می خواهند ثمرات تجدید حیات دین خود را به صورت رشد معنویت، رفع اعمال ضد اخلاقی، بخصوص در میان جوانان ببینند. ولی نباید فراموش کرد که آنها طی مدت زیادی از ریشه های مذهبی دور بودند و با روح اخلاق اسلامی پرورش نیافتند. به همین دلیل، نباید انتظار نتایج سریع را داشت، بلکه باید ویژگی های مهم اسلام را به خاطر آورد. به موجب اسلام، هدف مطروح نمی تواند سریع حاصل شود. باید به تدریج بدون شتاب و ارتکاب اشتباهاتی که ممکن است صلح بین مسلمانان را خدشه دار سازند، به سوی آن حرکت کرد. شتابزدگی می تواند به ضرر خود اسلام نیز تمام شود. الله همین را به ما می آموزد و پیغمبر اسلام (ص) همین طور عمل می کرد.

متاسفانه، در کشورمان روح و عمل اسلام مورد مطالعه کافی قرار نگرفته است; این در حالی است که اسلام، دینی است که 14 قرن است امکانات فراگیر آموزه اجتماعی - سیاسی و اخلاقی خود را به اثبات می رساند. این مکتب، در همه شرایط تاریخی، معاصر و حیاتی و کاملا جوابگوی روحیه زمان بوده است. اسلام شایستگی آن را دارد که در جامعه روسی، جایگاه شایسته ای کسب کند و در تحولات جاری در کشور، نفوذ قابل توجهی کند. این امر، چه هدفی دارد؟ در روندهای مذهبی عصر حاضر، چه چیزی باعث نگرانی می شود؟ مفتی راویل عین الدین، رئیس اداره روحانی مسلمانان منطقه مرکزی اروپایی روسیه، در این مورد می گوید:

مسائلی که در این زمینه مطرح شدند، باید با مشارکت شخصیت های علاقه مند مورد بحث و بررسی قرار گیرند. من هم حاضرم در این بحث شریک شوم. امیدوارم، نشریه شما که این مساله حیاتی را طرح کرده است، نیمه راه توقف نکند و به تشریح این موضوع ادامه دهد. ولی فعلا مایلم مختصرا به سؤال اول پاسخ دهم، در حالی که به سؤال دوم بیشتر خواهم پرداخت.

یکی از عللی که اسلام در هر دوره تاریخی، لازم و حیاتی است، توجه ویژه این دین به مسؤولیت شخصی انسان در برابر خدا و در قبال امورات دنیوی خود است. انسان مجبور است همیشه در باره آینده خود در دنیا و آخرت فکر کند. "از الله بترسید! بگذار روحتان ببیند، از قبل برای فردا چه چیزی تهیه کرده است!" (سوره حشر، آیه 18)

حالا مایلم در باره نگرانی های خود صحبت کنم. من می توانم روحیات مسلمانان را درک کنم. آنها بعد از وقفه طولانی اجباری، بالاخره موفق شده اند به سرچشمه دین خود برسند. ولی بخشی از مسلمانان خیلی عجله می کنند تا نتایج حیات مذهبی فعالانه را ببینند. آنها می خواهند مردم هرچه زودتر، در زندگی روزمره خود، براساس اسلام عمل کنند. این آرزو نیک و پسندیده است، ولی نباید سال های گذشته زندگی در شرایط سلطه بی دینی و عواقب تخریبی آن را فراموش کرد. نباید عجله کرد و مسلمانان را به "پاک" و "ناپاک" تقسیم کرد. این برخورد به ضرر اسلام و خود مسلمانان است و با اسلام مغایرت دارد. به تاریخ دینمان بنگرید. اسلام ابتدا موفق نبود و با مقاومت شدید روبرو شده بود. در آن شرایط سخت برای جمعیت اولیه اسلامی، الله از مسلمانان خواست که صبر و حوصله به خرج دهند و نسبت به آنهایی که نمی خواهند در راه اسلام حرکت کنند، از خود خویشتن داری نشان دهند. خداوند همین را به رسول خود آموخت. در قرآن آمده است: "از صبر و دعا کمک بگیرید.الله، یار صابرین است" (سوره بقره آیه 148)

منبع: سفارت ج. ا.ا. - مسکو، به نقل از روزنامه "منبر اسلام"، شماره 9، 1998.